



تحويل انبوه موشک‌ها و رونمایی از پهپاد مهاجر-۱۰ چه می‌گویند؟

مشت آهنین‌تر



سید مهدی طالبی

خبرنگار گروه بین‌الملل

سیدابراهیم رئیسی رئیس‌جمهور ایران روز گذشته به مناسبت ۳۱ مرداد روز صنعت دفاعی، با حضور سرتیپ محمدرضا قرایی آشتیانی وزیر دفاع و سردار امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه، ضمن بازدید از نمایشگاه محصولات دفاعی، دستور آغاز الحاق وواگذاری انبوه موشک‌های راهبردی «خرمشر-۴» و «حاج قاسم» به نیروهای مسلح و نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را صادر کرد. در جریان بازدید یک‌ونیم‌ساعته رئیس‌جمهور از نمایشگاه محصولات دفاعی، پهپاد مهاجر-۶ نیز رونمایی شد. نکته مهم مراسم روز دوشنبه، تحويل انبوه موشک‌های خرمشر-۴ بود؛ موشکی که برد فعلی آن ۲ هزار کیلومتر بوده ولی درصورت تصمیم‌گیری، قابلیت تنظیم دربردهای چندبرابری را نیز دارد.

آنچه تحويل‌ها و رونمایی روز گذشته می‌گویند
تحويل انبوه موشک‌های بالستیک و رونمایی از یک پهپاد جدید، به دلیل ویژگی‌هایی که داشتند، حاوی نکاتی است:

۱ ایجاد تحول در تسلیحات تولید شده و بالا بردن سقف کیفی آنها باعث می‌شود سلاح‌های پیشین در ذیل سلاح‌های جدید قرار گرفته و قابل صادرات باشند. این مساله از ممنوعیت صادرات آخرین دستاوردهای تسلیحاتی ناشی می‌شود. ایران در گذشته از موشک‌های بالستیک مینابرد مثل شهاب و سجیل برای پوشش منطقه استفاده می‌کرد اما درحال حاضر به شکل فزاینده‌ای درحال اتکا به موشک‌های بالستیک تاکتیکی ب است که نقطه اوج پایین‌تری نسبت به موشک‌های بالستیک پیشین داشته و از جو خارج نمی‌شوند. این نمونه‌ها قابل فروش یا قابل ارائه به دوستان هستند. اگر این اتفاق در حوزه موشکی قابل رخ دادن برعکس باشد، وقوع آن در دیگر حوزه‌ها همی‌است؛ وبه‌ویژه عرصه پهپادی.

۲ تولید و تحويل انبوه موشک خرمشر-۴ که در بین تمام موشک‌های بالستیک ایران، تنها موشکی است که با کاهش وزن کلاهک قادر به پوشش سراسر خاک اروپا و همچنین رسیدن به پایگاه دیوگوارسیاست، عملاً دایره‌اتش ایران از منطقه رابه فرامنطقه ارتقا می‌دهد.

۳ تولید جدیدترین نمونه‌ها در حوزه تسلیحاتی ضمن نشان دادن پویایی، درحال حاضر آشکارکننده گذار ایران از جنگ ژودبازده علمی-صنعتی به مجتمع علمی-صنعتی است. بنگاه‌های ژودبازده می‌توانند به سرعت با تمرکز در یک حوزه ساده یا متوسط، به تولید برخی محصولات بپردازند؛ مانند تولید پهپاد توسط ایران که تا دو دهه قبل متکی بر سرهم‌بندی قطعات وارداتی بود و تولیدات نیز تا حد زیادی سساد بودند. با این حال امروزه حوزه نظامی ایران عرصه رونمایی از موشک‌های هایپرسونیک، انواع پهپادهای پیشرفته، سنگین و دوربرد و سامانه‌های پدافند هوایی است؛ تسلیحاتی که دارای طراحی ساده نیستند، از کپی برداری به دست نیامده و حاصل سرهم‌بندی قطعات عادی به‌دست‌آمده از بازارهای خارجی نیستند. یک ویژگی دیگر مجتمع علمی-صنعتی کاهش سرعت رسیدن به دستاوردهاست به گونه‌ای که دستیابی به موشک هایپرسونیک کمتر از یک دهه به طول انجامید اما ساخت نمونه‌های قابل اتکا از پهپادها مانند نمونه‌هایی که قابلیت پرتاب موشک داشتند، بیشتر از یک دهه زمان برد، درحالی که دستیابی به آن بسیار ساده‌تر از ساخت هایپرسونیک بود.

۴ ایران از سیاست‌های دفاعی به سیاست‌های تهاجمی گذار کرده و البته این تهاجمی شدن، برخلاف برداشت‌ها برای برخی رقبای منطقه‌ای مثبت است. مدتی است تسلیحات تهران روی رقبای منطقه‌ای تنظیم نمی‌شود وبه‌ویژه آنکه ایران اخیراً تاکید کرده آنها را دشمن خود نمی‌داند. ایران در ماه‌های اخیر تسلیحاتی با برد کم مانند یک موشک به‌عنوان توپخانه موشکی با برد ۸۶ کیلومتر رونمایی کرده است که برای هدف قرار دادن تروریست‌ها در اطراف مناطق مرزی مناسبند و دیگر سلاح‌ها بردی بالای ۱۴۰۰ کیلومتر داشته‌اند؛ مساله‌ای که نشان می‌دهد تروریست‌ها ورزیم در مرکز توجهات ایران قرار دارند. این درحالی است که پیش‌تر ایران موشک‌ها و تسلیحاتی با برد ۵۰۰، ۶۰۰ و ۸۰۰ کیلومتر نیز تولید کرده بود که بر رقبای فعلی تمرکز داشتند.

۵ ایران در مسیر واکنش شدید به آمریکا قرار دارد؛ مانند چین و کره شمالی. مشکل برای آمریکا اما آنجاست که در سال‌های اخیر بازه ارتقای تسلیحاتی کشورهایی مانند ایران و کره شمالی به‌شدت اندک شده و این دو در مقاطع کم‌فاصله‌ای با رونمایی‌های ناگهانی خود تحولات عظیمی را در توان‌شان نسبت به گذشته رقم می‌زنند.

۶ یک موضوع نگران‌کننده برپای آمریکا فارغ از افزایش توان تسلیحاتی کشورهای شرقی، امکان همکاری سطح بالای آنهاست، زیرا کشوری مانند کره شمالی قادر به توسعه تسلیحات پیشرفته در چندین حوزه

به‌طور هم‌زمان نیست، مگر آنکه برخی از آنها در اتصال به صنعت کشورهای دیگر تولید شده باشند.

۷ ایران در پاسخ به تشدید تنش‌های آمریکا پاسخ‌هایی دوگانه اما منطقی را پیگیری می‌کند که در آن سهم رزمایش‌ها کمتر و سهم رونمایی‌ها بیشتر است. پیشتر که تسلیحات ایرانی فناوری پایین‌تری داشتند، تهران با رزمایش‌های پیاپی و شدت آتش گسترده تلاش می‌کرد توان خود را به دشمن اثبات کند اما امروزه با پیشرفته‌تر شدن تسلیحات، دیگر نیاز به استفاده گسترده از آنها در رزمایش‌ها برای اثبات توانمندی ایران نیست، زیرا این تسلیحات به‌حدی پیشرفته شده‌اند که برای ایجاد هراس در دشمن نیازی به شلیک‌شان نیست.

۸ آمریکا طی چند دهه اخیر با ایجاد سایه جنگ بر فراز کشور به شکل غیرمستقیم در قالب تهاجم حزب بعث و تشدید درگیری‌های منطقه‌ای با به شکل تهدید مستقیم، به دنبال کاهش مزیت‌های سرمایه‌گذاری ایران بود. تهران با رونمایی‌های پیاپی نظامی با محو ساختن آسیب‌پذیری ایران به دنبال تقویت مزیت‌های سرمایه‌گذاری در کشور است.

۹ ایران به دنبال درآمدهای تسلیحاتی بالاست. براساس نقل برخی از منابع مطلع که به رسانه‌ها نیز راه یافته است، درآمد ایران از فروش سلاح به سالانه ۴ میلیارد دلار می‌رسد. این میزان فروش البته مربوط به پیش از جنگ اوکراین است؛ جنگی که به رونق بازار تسلیحاتی انجامیده است. به دنبال بروز جنگ اوکراین، روسیه و مجموعه غرب تمام تسلیحات خود را برای جنگ و حفظ آمادگی خود، نگاه داشته و کمتر به صادرات چشم دارند. از این رو کشورها مانند گذشته قادر به خرید سلاح از این دنیوستند. همچنین روسیه و غرب امروزه برای تامین جنگ، به واردکننده سلاح تبدیل شده‌اند. بر همین اساس ایران که پیش از این در سیاست خوداتکایی، یک مجتمع صنعتی-نظامی قابل توجه را پایه‌گذاری کرده بود، امروزه به میلیاردها دلار درآمد دسترسی دارد. درحال حاضر صحبت از فروش پهپادهای ایران به روسیه و حتی چین است. فروش سلاح ایران تا جایی ریشه دوانده است که تسلیحات ایرانی در دستا ارتش اوکراین نیز دیده شده‌اند؛ تسلیحاتی که با توسط اوکراین از روسیه به عنیمت گرفته شده یا آنکه اوکراین از طریق واسطه‌ها آنها را خریداری کرده است. نتیجه‌اما یکی است؛ رشد شدید درآمدهای فروش تسلیحات ایران. باید در نظر داشت، رف‌ع محدودیت خریدوفروش تسلیحات اعمال شده توسط شورای امنیت در سال ۲۰۲۰ نیز در رشد گرایش به خرید سلاح از ایران نقش داشته است. اساساً یکی از اهداف اعمال این-محدودیت، کاهش درآمد ایران از صادرات تسلیحات بود که در اواسط دهه ۱۳۸۰ به ۴۰۰ میلیون دلار رسیده بود. تهران درصدد شدت بخشیدن به درآمد صادرات تسلیحات با تقویت توان نظامی است که این مساله نیازمند رشد سریع سقف تسلیحاتی برای قراردادن نمونه‌های بیشتر در ذیل سقف تسلیحاتی برای صادراتی ساختن آنهاست.

۱۰ پهپادهای جدید، پلتفرم‌هایی متفاوت با پهپادهای ساده شاهد-۱۲۹ و مهاجر-۶ هستند. حتی پهپادی مانند ابایل-۵ که گفته می‌شود براساس مهاجر-۶ ساخته شده به لحاظ طراحی بدنه، دارای احتناست. این احتنا ضمن روان ساختن پرواز، افزایش سرعت، کاهش سطح مقطع راداری و امکان پذیرتر کردن مانوورها، باعث کاهش مصرف سوخت و به تبع آن افزایش برد و مداومت پروازی نیز می‌شود.

آرایش تهاجمی با بازآرندگی متعارف اشباعی
رهبر انقلاب پیش‌تر به نیروهای مسلح ماموریت داده بودند تمرکز بر دفاع را به تمرکز بر تهاجم، تغییر دهند. روز گذشته در جریان بازدید رئیس‌جمهور از نمایشگاه دستاوردهای وزارت دفاع، یکی از مقامات همراه تاکید

جهان‌شهر



کردند رهبری از نیروهای مسلح درخواست دیگری نیز داشته است؛ «افزایش تیراز».

تغییر آرایش ایران از دفاع به تهاجم، دارای معنایی ساده نیست. چه اینکه پیش‌تر نیز سیاست دفاع، از مسیر تولید تسلیحات تهاجمی پیگیری می‌گردید. در میمان این دو، تفاوت‌هایی وجود دارد. گذار از دفاع به تهاجم به معنای افزایش برد، دقت و تخریب سلاح‌ها همچنین افزایش قدرت تحرک تسلیحات تولیدی ایران است. به‌عنوان یک محصول جانبی، این سیاست تسلیح گروه‌های متحد ایران به تسلیحات پیشرفته را نیز دربی دارد؛ امری که بسیار بیشتر از گذشته در دستور کار قرار گرفته، به‌گونه‌ای که این متحدان از طریق موشک‌های کروز و پهپادهای تهاجمی دایره آنتنی ۲۵۰۰ کیلومتری یافته‌اند.

۲ افزایش تیراز تسلیحات تولیدشده که مورد تاکید رهبری است، تاکید دیگری بر تمرکز ایران بر «بازآرندگی متعارف اشباعی» به حساب می‌آید؛ امری که نشان می‌دهد کماکان سیاست ایران در بازآرندگی به سمت توانایی‌های غیرمتعارف و هسته‌ای نگفتیده است. در بازآرندگی متعارف، به جای اتکا به تسلیحات هسته‌ای که به صورت ناگهانی محدوده وسیعی را به آتش می‌کشد، تاکید بر به‌کارگیری تسلیحات متعارف‌ولی به‌صورت پرتعداد است. به‌عنوان نمونه ایران برای نابودسازی یک فرودگاه دشمن، به جای ساخت یک سلاح هسته‌ای تاکتیکی، به تولید ۳۰۰ موشک بالستیک تاکتیکی می‌پردازد. حال درصورت نیاز به پرتاب این موشک‌ها، امکان تعیین ضربه به پایگاه دشمن وجود دارد؛ اگر جنگ در اوج باشد، تمام پایگاه نابود شود. یا آنکه در پاسخی کنترل شده، تنها برخی مراقبت و باندا برای هشدار هدف قرار گیرند.

تاکید بر «بازآرندگی متعارف اشباعی» مزایای دیگری نیز برای ایران دارد. تسلیحات هسته‌ای صرفاً برای ابزار قدرت انبار می‌شوند، بدون آنکه قابل استفاده یا حتی صادرات باشند. درمقابل تسلیحات متعارف در هر شرایطی قابل استفاده‌اند، صادر می‌شوند حتی می‌توان از آنها به‌صورت ناشناس علیه اهداف متخاصم بهره گرفت.

براساس گزارش روزنامه «فرهیختگان» با‌عنوان «بازآرندگی فعلاً بدون بمب!» که ۲۸ تیرماه سال گذشته منتشر شد، بخشی از مزیت‌های «بازآرندگی اشباعی» به شکل کلی یا جزئی شامل مواردی به این ترتیب بوده است: «انعطاف در کاربرد»، «قابلیت کاربرد از اولین لحظه»، «دشواری حمله به نقاط پرتاب»، «دشواری رهگیری و مقابله»، «صدمه زدن به غیرنظامیان»، «قابلیت صادرات به همه کشورها»، «قابلیت استفاده بدون شناسایی شدن»، «داری مشروعیت بالا در تولید، ذخیره‌سازی و کاربرد»، «قابلیت مسلح کردن متحدان»، «هزینه کم دستیابی و ساخت»، «عدم راه‌اندازی مسابقه تسلیحاتی»، «تحمیل هزینه سنگین به دشمن برای مقابله»، «قابلیت تامین آسان از بازارهای جهانی»، «بی‌نیازی به حضور در لبه فناوری»، «نبود محدودیت‌های سازمانی و قانونی»، «قابل شرط‌گذاری نبودن»، «غیرمتمرکز بودن در برابر تمرکز بودن تاسیسات ساخت سلاح هسته‌ای»، «قابلیت تصرف بدون مواجهه با آلودگی»، «قابلیت تهدید دشمن با مانور واقعی» و «تسلیحات راهبردی-تاکتیکی».

پهپاد مهاجر-۱۰

پهپاد مهاجر-۱۰ نسبت به نمونه تولیدشده قبلی که مهاجر-۶ نام داشت، دارای ویژگی‌های ارتقایافته‌تری است. این تفاوت‌ها به شرح ذیلند.

ارتفاع پروازی پهپاد در سری پهپادهای مهاجر نسبت به گذشته بیش از دو برابر شده است. ارتفاع پروازی پهپاد مهاجر-۶ در حدود ۳ هزار و ۳۰۰ متر تخمین زده می‌شود درحالی که پهپاد مهاجر-۱۰ قادر به پرواز در ارتفاع ۷ هزار متری است. از این رو این پهپاد

بالتر از سامانه‌های ضدهوایی توپخانه‌ای و موشک‌های دوش پرتاب و برخی از سامانه‌های پدافند هوایی کوتاه برد پرواز می‌کند که این مساله منجر به افزایش بقاپذیری پهپاد در میدان نبرد می‌شود.

۲ برد پهپاد مهاجر-۶ که با توجه به شکل دماغه، فاقد گیرنده‌های ماهواره‌ای تلقی می‌شود، با اتکا به ایستگاه‌های زمینی ۲۰۰ کیلومتر و به کمک تقویت‌کننده‌های مخابراتی تا ۴۰۰ کیلومتر است. با این وجود دماغه پهپاد مهاجر-۱۰ به دلیل برجستگی در آینده شاهد نصب گیرنده‌های راداری بوده و برد آن به حداکثر ۲ هزار کیلومتر می‌رسد.

۳ پهپاد مهاجر-۶ در نمونه‌های ابتدایی قابلیت حمل زیر ۱۰۰ کیلوگرم، در نمونه‌های میانی قابلیت حمل ۱۰۰ کیلوگرم و در آخرین نمونه‌ها قادر به حمل ۱۵۰ کیلوگرم محموله شامل تسلیحات مختلف است. پهپاد مهاجر-۱۰ می‌تواند تا ۳۰۰ کیلوگرم سلاح باخود حمل کند که دو تا سه برابر نمونه قبلی خود است.

آیا پهپادهای ایران موازی کاری و مشابهند؟

پهپاد مهاجر-۱۰ تا اندازه‌ای دارای ویژگی‌هایی مانند مداومت پروازی، برد و ظرفیت حمل سلاح و تقریباً مشابه پهپاد کمان-۲۴ است. با این وجود این پدیده ناشی از موازنه‌کاری نیست بلکه دلایلی دارد:

۱ بخش‌های مختلف نیروهای مسلح ایران براساس نمونه‌های مشابه که بیشتر شامل قطعات و نه ماوریت‌های خود سلاح بسازند. از این رو تفاوت‌هایی میان پهپادهایی که مشابهت‌هایی ظاهری دارند ایجاد می‌شود اما این موضوع نشان دهنده موازی کاری و هزینه بیشتر و بیپوده نیست.

۲ کشورها تمایل ندارند دست به صادرات آخرین فناوری‌های خود بزنند، از این رو نمونه‌های ساده‌تری را برای صادرات توسعه می‌دهند. این مساله برای ایران دلایل بیشتری نیز دارد. یکی از دشواری‌های صادرات پهپاد ایران، به موتور آنها مربوط است. ایران اگر بخواهد پهپادی را در تعداد بالا صادر کند، باید موتورهای پیستونی رایج در جهان که به وفور و راحتی در بازارهای جهانی یافت می‌شوند را برای آنها انتخاب کند تا کشور خریدار در حوزه تامین موتور اضافه و قطعات یدکی به بحران نخورد؛ پهپادهای توربوپراپ به شکل محدودتری در بازار وجود داشته و امکان مسدودسازی دسترسی به آن سهل‌تر از انواع موتورهای پیستونی است. به نظر می‌رسد ایران پهپادهای سری مهاجر را برای صادرات درنظر دارد زیرا با وجود صادرات پهپادهای مهاجر، از صادرات نمونه‌های تهاجمی-شناسایی شاهد-۱۲۹، کمان-۱۲ و کمان-۲۲ خودداری کرده است.

۳ نمونه‌های تولیدی مدل گران و ارزان دارند. به این ترتیب که مدل گران‌تر که البته پیشرفته‌تر است برای ماموریت‌های پیچیده به کار می‌رود درحالی که نمونه ارزان‌تر برای مواردی که به پیچیدگی بالایی ندارد تولید می‌شود. به‌عنوان مثال برخی پهپادها برای حمله علیه ارتش‌ها که دارای سامانه‌های پدافندی هستند، مناسبند اما برای حمله به گروه‌های تروریستی که فاقد ضدهوایی هستند، پهپادهای ارزان‌تری نیاز است. این گونه می‌تواند با صرفه‌جویی در هزینه تولید، تعداد بیشتری از پهپادها را به خدمت گرفت. به‌عنوان مثال پهپاد گران‌قیمت می‌تواند از موتور بهتر توربوپراپ و پهپاد ارزان‌تر از موتور پیستونی ساده‌تر استفاده کند.

به نظر می‌رسد پهپادهای سری مهاجر نمونه‌های ارزان‌قیمت‌تر در میان پهپادهای ایران هستند. پیش‌تر نیز گفته می‌شد ایران برای کاهش هزینه‌ها به‌عنوان جایگزین پهپاد شاهد-۱۲۹ در برخی ماموریت‌ها دست به تولید مهاجر-۶ زده است.

گزارش

عکاس خبرگزاری تسنیم در افغانستان بازداشت شد

تحرر علیه روایت حقیقت



فرهیختگان

خبرگزاری تسنیم می‌گوید محمدحسین ولایتی، عکاس و تدوینگر این رسانه توسط گروه طالبان بازداشت شده است. براساس آنچه تسنیم روز گذشته منتشر کرد، ولایتی که از طریق مرز هوایی و در سفری غیرکاری وارد افغانستان شده و مدت ۱۰ روز نیز در کابل حضور داشت، روز شنبه هفته جاری هنگام بازگشت و در فرودگاه کابل بدون هیچ‌گونه توضیح مشخصی بازداشت شد. وقوع این اتفاق در روز شنبه و رسانه‌ای ساختن آن در روز سه‌شنبه با ۴ روز تأخیر نشان می‌دهد پیش از این تلاش‌ها برای رهایی وی به شکست انجامیده است. پس از انتشار این خبر کمیسیون امنیت ملی مجلس بعدازظهر روز دوشنبه نشست مشترکی با وزارت امور خارجه برای بررسی «بازداشت عکاس تسنیم توسط طالبان» برگزار کرد. فداحسین مالکی، عضو کمیسیون امنیت ملی در این خصوص از قول وزارت خارجه برای پیگیری جدی این موضوع خبر داده است. حسن کاظمی‌قمی، نماینده ویژه رئیس‌جمهور در امور افغانستان و سفیر ایران در کابل نیز در این خصوص تاکید کرده است: «ما به‌طور جدی پیگیری می‌کنیم و بنده دقیقتی پیش با کابل و دستگاه‌های اطلاعاتی صحبتی داشتم تا با مقامات در آنجا صحبت شود. به من گفته شد که درحال دنبال کردن این مساله هستند و ان‌شاءالله به‌زودی به نتیجه خواهد رسید.» کاظمی‌قمی می‌گوید: «حوادثی در افغانستان پیش می‌آید و ما از شب گذشته (یکشنبه‌شب) پیگیر هستیم. قرار شده‌به من خبر دهند. ان‌شاءالله که این مشکل حل خواهد شد.»

چرا کابل همانند رنج قابل توجه نیست؟

طالبان در مواردی که دست به درگیری در مناطق مرزی زده است، برای این اقدامات به دلایلی مانند سوءتفاهم، اتکا کرده است. هرچند در مواردی نیز پراکندگی جناح‌ها، غیرمتمرکز بودن اداره کشور و خوسری گروه‌های متصل شده به طالبان، دلیل این درگیری‌ها بوده است. با این وجود عکاس تسنیم در فرودگاه کابل که به‌طور متمرکزی توسط جناح‌های عمده و مسلط طالبان اداره و کنترل می‌شود، بازداشت شده است. از این رو چنین قضیه‌ای به‌آسانی قابل توجه نیست و تبعات سیاسی آن از شدت بیشتری برخوردار است.

فراز و نشیب با طالبان

طالبان در مواردی مانند لزوم مبارزه با گروه‌های تروریستی اقدامات مثبتی از خود بروز داده است اما لانه کردن بخشی از گروه‌های تروریستی در کابل این گروه و همچنین خودسری‌های مداوم نیروهای آن به تشدید تنش در برخی حوزه‌ها منجر شده است. این تنش‌ها تاکنون به شهادت چندتن از مرزبانان ایران و کشته شدن ده‌هاتن از اعضای طالبان در آتش متقابل توسط توپخانه ارتش منجر شده است. با این حال درخصوص کادرهای رسمی و خبرنگاران ایرانی، سابقه تنش‌ها با طالبان طولانی‌تر از تقریباً دو سال اخیر می‌است که آنها مجدداً به قدرت بازگشته‌اند. روز ۱۷ مرداد ۱۳۷۷ (۰۸ آگوست ۱۹۹۸) به دنبال اشغال شهر مزارشریف توسط طالبان، برخی از نیروهای این گروه به کنسولگری ایران در این شهر حمله کرده و ۸ دیپلمات به همراه یک خبرنگار را به شهادت رساندند؛ واقعه‌ای که منجر به نامگذاری این روز به‌عنوان «روز خبرنگار» در تقویم جمهوری اسلامی ایران شد. در آن واقعه هرچند بخشی از گروه طالبان به تحریک سازمان اطلاعات ارتش پاکستان موسوم به ای‌اس‌ای برای کشتنن ایران به جنگ با طالبان دست به این جنایت زدند، اما تبعات این اقدام همچنان برعهده این گروه است. بدون زوده و جبران شدن واقعه قبلی، تلاش در راستای اقدامی دیگر علیه اتباع ایران گامی منفی در روابط دو جانبه است.

وظیفه کدام جناح طالبان بیشتر است؟

طالبان امروزه به سه جناح قابل تقسیم است. شبکه حقانی که ریشه در شاخه گلجایی قبایل پشتون دارد و بیشتر تمرکزش بر شرق افغانستان است؛ ریاست این جناح با سراج‌الدین حقانی، وزیر کشور طالبان و فرزند جلال‌الدین حقانی، رهبر پیشین این شبکه است که ادعا می‌شود فوت کرده است. دو جناح دیگر به شاخه درانی‌ها تعلق دارد. یک جناح از این دو به‌محمدملایعقوب، وزیر دفاع فعلی و فرزندنخستین رهبر طالبان ملاعقوب تعلق دارد و دیگری توسط ملاادر اداره می‌شود. از این سه جناح- جناح ملابرادر به رهبر کنونی طالبان نزدیک‌تر شناخته می‌شود درحالی که دو جناح دیگر، حتی جناح هم‌قبیله‌ای محمدملایعقوب در برهه‌ای، موضعی انتقادی از رهبر طالبان اتخاذ کرده‌اند، با توجه به برنامهریزی سازمان اطلاعات پاکستان و حمایت‌های عمران خان، نخست‌وزیر اسبق پاکستان که خود پشتون تبار و از شاخه گلجایی بود، شبکه حقانی موفق شد زودتر به کابل رسیده و بر بیشتر امور این شهر مسلط شود. هرچند گفته می‌شود در این میان نقش محمدشرف غنیزئی، آخرین رئیس‌جمهور افغانستان که وی نیز پشتون‌تبار و از شاخه گلجایی بود را نمی‌توان نادیده گرفت. از این رو به نظر می‌رسد فرودگاه کابل همچنان تحت تسلط و کنترل شبکه حقانی باشد؛ جناحی که با مرزهای ایران فاصله‌اما به دلیل تمایل و ارتباط با پاکستان، باز دیگری می‌تواند همانند طالبان یا کستانی‌تبار دهه ۱۹۹۰، گامی در راستای تشدید تنش میان ایران و افغانستان بردارد. احتمال می‌رود با کستان به دلیل درگیری‌های اخیر با هر دو جناح درانی طالبان، مجدداً به سمت درگیری‌سازی ایران و طالبان برای کاهش فشارها روی خود و تضعیف نقش ایران در معادلات افغانستان گام بردارد؛ اقدامی که به‌زعم برخی در اسلام‌آباد می‌تواند منجر به کسانده شدن بیشتر واشنگتن به معادلات افغانستان شود تا با تفنگ آمریکا، پاکستان منافعش را بیشتر و کم‌هزینه‌تر کسب کند.